

بسا شکسته بیابان که باغ خرم بود

درباره بخارا بطور خاص و اقوامی که به عنوان تاجیک شناخته می شوند بطور عام، مطالبی نیست که بتوان بسادگی در مقاله ای گنجانند و همچنین در این باب دانشمندان، مورخان، تذکره نویسان، شاعران و صاحب نظران زیادی در این باره مطالبی به رشته تحریر آورده اند. ولی بدون شک برای تشریح «شش مقام» بخارا شاید نیاز باشد که بدانیم پیشینه این فرهنگ و تمدن چند هزار ساله از کجا نشأت گرفته و همچنین در طی تاریخ چه تغییر و تحولاتی کرده است. بی مناسبت نیست گفته استاد محمد محیط طباطبایی: «هرگز قومی و ملتی در تاریخ سه هزار سال گذشته در گذر زمان و مکان به نام تاجیک وجود نداشته که بیرون از قلمرو وجود ایران، کیان مستقلی داشته باشد. بلکه تاجیک صفتی برای ایرانی فارسی زبان بوده و به غیر ایرانی اطلاق نمی شده است.»

ضمن بیان طبقه بندی سازهای موسیقی فارابی تأثیرات آنرا به نظرات پاپ گریگوری که در دو قرن بعد می زیسته است بیان می نمایم.

«شش مقام بخارا»

«شش مقام» در ادوار امیری بخارا شکل تکاملی خود را می یابد و در حال حاضر در ازبکستان و تاجیکستان بعنوان موسیقی سنتی جایگاه بلندی دارد. شش مقام عبارتند از:

- ۱- بزرگ Bozrok
- ۲- راست Râst
- ۳- نوا Navâ
- ۴- دوگاه Dogâh
- ۵- سه گاه Segâh
- ۶- عراق Erâg

«شش مقام» مجموعه ای است بزرگ و از شعبه ها و قسمتهای زیادی تشکیل شده است.

شعبه های مقامها:

- ۱- شعبه مقام بزرگ، عزال (Ozzâl)
- ۲- شعبه های مقام راست، پنجگاه-عشاق-صبا (Panjgâh- Oshshâg-Sabâ)
- ۳- شعبه های مقام نوا، عارض-بیات-حسینی (Araz-Bayât-Hosayni)
- ۴- شعبه های مقام دوگاه، چهارگاه، عارض دوگاه-دوگاه حسینی (Chahârgâh)
- ۵- شعبه های مقام سه گاه، عجم-بسته نگار-خارا (Ajam-Bastanigâr-Khârâ)
- ۶- شعبه مقام عراق، محیر (Mohayyar)

«شش مقام» علاوه بر شعباتی که در بالا ذکر گردید از بخشهای زیاد دیگری ترکیب می یابد که هر بخش چه از جهت بافت و نرم و چه از جهت وزن و تمپو از یکدیگر تشخیص داده می شوند و هر بخش مضمون خاصی را بیان

بخارا بعنوان دارالعلم فارسی زبانان ایران مهد پرورش بزرگانی همچون: ابو عبدالله رودکی (وفات ۳۲۰ هـ. ش)، بوعلی سینا (۴۱۶-۳۱۵ هـ. ش)، ناصر خسرو (۴۶۷-۳۸۲ هـ. ش)، کمال خنججندی (وفات ۷۶۹ هـ. ش)، عبدالرحمان جامی (۸۷۲-۷۹۳ هـ. ش) و دهها متفکر، فیلسوف، دانشمند، عارف، شاعر و موسیقیدان بوده است که به تمدن بشری خدمات شایانی نموده اند.

حدود دو قرن پیش آخرین کتاب درباره «۱۲ مقام» نوشته کوکبی بخارایی پس از تحولاتی که در این باب صورت می گیرد، بعد از آن بصورت ۶ مقام تجلی می یابد. گفتنی است ۱۲ مقام فوق همان ۱۲ مقامی است که نه تنها در ایران بلکه در تمامی ممالک اسلامی اساس و پایه موسیقی بوده است.

وقتی نمی توان انکار نمود که تأثیرات این فرهنگ بالاخص موسیقی به دیگر ممالک راه نیافته باشد در ترجمه احصاءالعلوم (تألیف فارابی) جرج فارمر در مقدمه کتاب

شش مقام بخارا

موسیقی نواحی مختلف
موسیقی در ایران
سید محمد ساعد

می کند که در ارتباط با بخش دیگر است. هر مقام از سه قسمت بزرگ تشکیل شده است:

قسمت اول:

قسمت یکم هر مقام را «مشکلات» (Moshkelât) می نامند. که خود به قسمتهای کوچکتر تقسیم می شود (این قسمت بدون همراهی خواننده اجرا می گردد.)

قسمتهای اساسی «مشکلات» عبارتند از:

۱- تصنیف (آهنگ)

۲- ترجیع (تکرار)

۳- گردون

۴- مخمس

۵- ثقیل (قسمتی که با تمپوی سنگین اجرا می شود) از نظر فرم تمامی قسمتها به غیر از «گردون» شبیه به «روندو» (Rondo) می باشند. به عبارتی، بین جملات مختلف جمله ای بصورت ترجیع بند تکرار می شود. جملات را تحت عنوان «سرخانه» (Sarkhâna) و جمله ترجیع بند که مرتب تکرار می شود را «بازگوی» (Bâzgu) می نامند. جملاتی در «تصنیف» و «ترجیع» به صورت سکانس اجرا می شوند که آنرا «پیشرو» (Pishrau) می نامند و پس از فرود «بازگوی» تکرار می گردد. این جملات که به صورت سکانس در «تصنیف» و «ترجیع» اجرا می شوند عموماً به گستردگی دو اکتاو می باشند. و همچنین هر مقام از ساختی خاص برخوردارند بطور مثال جملات در یکجا ساده تر و در جایی دیگر مرکبتر هستند. به عنوان نمونه: بطور مثال: ترجیع از مقام سه گاه که این تم بدون هیچ تغییری بصورت سکانس اجرا می گردد.



و همچنین تم سکانس تصنیف از مقام عراق که از جهت

ساخت نسبت به تم گذشته مرکبتر است.



جملات هشت میزانی از دولانگ - چنگ - سیاه و سفید ترکیب یافته اند.

و اما «گردون» از جمله بندی خاصی پیروی می نماید. «بازگوی» (همان ترجیع بند) نداشته و تم آن روی درجات

همانگونه که ملاحظه می شود طول جمله و همچنین از نظر ارزش زمانی تم تصنیف از مقام عراق از تم ترجیع از مقام سه گاه بافتی مرکبتر دارد. (ترجیع از مقام سه گاه با جملاتی چهار میزانی از چنگ و سیاه و تصنیف از مقام عراق با



دوناگون اجرا می گردد و به عبارتی دیگر از «سرخانه» های مختلف تشکیل شده اند که به دنبال هم اجرا می شوند.

قسمت دوم:

قسمت دوم مقام با همراهی خواننده اجرا می شود که بعنوان «گروه شعبه یکم» نامیده می شوند. همانگونه که گفته شد همراه متن، اشعار شعرای قدیم و معاصر اجرا می شوند. شعرهای متن اغلب از شاعران چون ابو عبدالله رودکی، ابوعلی سینا، انوری، سعدی، جامی، واصفی، مشفق، بیدل و دیگر شاعران گذشته و معاصر برگرفته شده اند.

قسمتهای اساسی «گروه شعبه یکم» عبارتند از:

۱- سر اخبار

۲- تلقین

۳- نثر

۴- سوپارش اولین

۵- اوفر (yfar)

۶- سوپارش آخرین

«گروه شعبه یکم» با «سر اخبار» آغاز می گردد پس از آن یکچند (یک- دو- سه ...) ترانه که از قسمتهای کوچکتر ترکیب یافته اند اجرا می شوند که شنونده را برای اجرای «تلقین» آماده می نماید. پس از اجرای «تلقین» باز یک چند ترانه و پس از آن «نثر» به اجرا درمی آید و پس از «نثر» باز یک چند ترانه می آید و بعد از آن به عنوان فرود «سوپارش اولین» و سپس «اوفر» که اغلب با ریتم $\frac{6}{8}$ با حالتی جاندار و با روح (allegro mento) اجرا شده و پس از آن «سوپارش آخرین» قسمت دوم (گروه شعبه یکم) پایان می یابد.

قسمت سوم:

به قسمت سوم هر مقام «گروه دوم شعبه» یا «شعبه دوم» می گویند.

«صوت» از قسم های اساسی این قسمت است، که از شاخه های مختلف تشکیل می شوند. این شاخه ها عبارتند از: «تلقینچه»، «قشقرچه»، «ساقی نامه» و «اوفر» که در تمامی این مجموعه حال و هوای «صوت» تغییر نمی کند. علاوه بر این قسمت و شاخه ها که ذکر گردید قسمتهای دیگری نیز در هر مقام اجرا می گردد که مختص همان مقام است. مثلاً «ببسا کچه»، «سینه خروش» در مقام بزرگ و «قلندری» و «سمندری» در مقام دوگاه.

وجه تسمه برخی از این نامها بی ارتباط با معانی آن نیست مثلاً اصطلاح «قشقرچه» را می توان اینطور بیان نمود که

آهنگش به روش قشقری بوده و یا حال و هوای قشقری دارد و یا مثلاً اصطلاح «مغولچه» شاید بتوان گفت که در سنت این شیوه موسیقی، از مغولان تأثیر گرفته است.

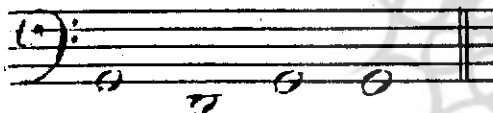
سازهای اساسی شش مقام عبارتند از:

۱- تنبور ۲- هژک ۳- دوتار خراسان ۴- رباب قشقر ۵- نی ۶- چنگ ۷- دایره

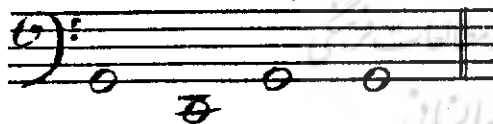
که مجموعه این سازها آنسامبل (ارکستر سنتی) شش مقام را تشکیل می دهند که در بین اینها تنبور از یک مقام و اعتبار بالایی برخوردار است. با توجه به ساختمان ساز (صدادهی- جمبه رزونانس) و همچنین پرده بندی خاص آن که شش مقام را با تمام ظرافت و ناز کیهای آن اجرا می نماید.

ساختمان تنبور بدین قرار است: کاسه آن گلابی شکل (تقریباً به صورت سه تار) با دسته ای بلند و پرده هایی از جنس نی و تارهای آن از جنس سیم می باشد. خاصیت این نوع پرده بندی و همچنین فاصله داشتن سیم از دسته ساز باعث می گردد که این شیوه موسیقی همراه با ویراسیونهای خاصی اجرا شوند. مضراب آن از جنس فلز می باشد که به صورت انگشتانه داخل انگشت اشاره گردیده و به وسیله آن نواخته می شود. کوک تنبور در مقامهای مختلف، متفاوت می باشد.

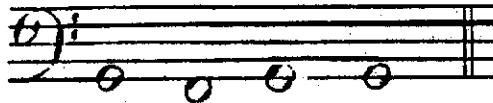
برای اجرای مقامهای بزرگ، دوگاه، سه گاه، عراق تنبور به طریق زیر کوک می گردد:



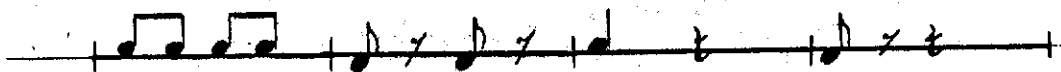
برای اجرای مقام راست:



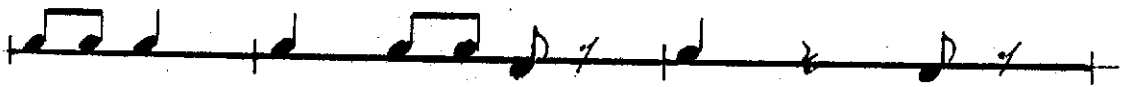
و برای اجرای مقام نوا:



برای اجرای شش مقام و تمام شعبه ها و قسمتهایش همه وقت دایره همراهی می کنند و هر قسمت ریتم و تمپوی مشخص خود را دارا می باشد که «اصول» نام دارند. این «اصول» ها در مواقعی از ساختنی ساده تر و در برخی موارد از ساختنی مرکبتر تشکیل شده اند. بطور مثال: اصول تصنیف بزرگ.



اصول گردون بزرگ



و همچنین در ترقیبات چندین هزار ساله موسیقی این مناطق می بایست مورد تحقیق قرار گیرد. این موسیقی نه تنها در تکامل خود در دوام عصرهای گذشته بلکه در همین مدت ۲ قرن عمر خود به این پایه رسیده است. تحقیق و تشریح در این باره ما را به این فکر وامی دارد که چگونه «دوازده مقام» مشترک ممالک اسلامی در طی زمان به مرزبندی و تکامل یافتگی خود رسیده که قابل قیاس باهم هستند. نه تنها شش مقام بخارا بلکه موسیقی اعراب دور و نزدیک و بلکه گستره این فرهنگ از ایغور (شمال چین) تا اندلس است.

جهان همیشه چنین گردگردان است
همیشه تا بود آیینش گردگردان بود
کهن کند به زمانی همان کجا نو بود
و نو کند به زمانی همان که خلقان بود
بسا شکسته بیابان که باغ خرم بود
و باغ خرم گشت آن کجا بیابان بود

ابوعبدالله رودکی سمرقندی

همانگونه که ملاحظه شد اصول گردون بزرگ از اصول تصنیف بزرگ ساختنی مرکبتر دارد. میزان اول از دو سیاه (♩) و میزان دوم و سوم هر کدام از سه سیاه (♩♩♩) تشکیل شده اند، در صورتیکه در اصول تصنیف بزرگ هر میزان از دو سیاه (♩) تشکیل شده است. حتی در بعضی موارد دیگر مانند اصولهای مخمس و ثقیل از این هم مرکبتر می باشند. مثلاً: اصول مخمس با ۳۲ سیاه (♩) و اصول ثقیل با ۴۸ سیاه (♩) برابر است.

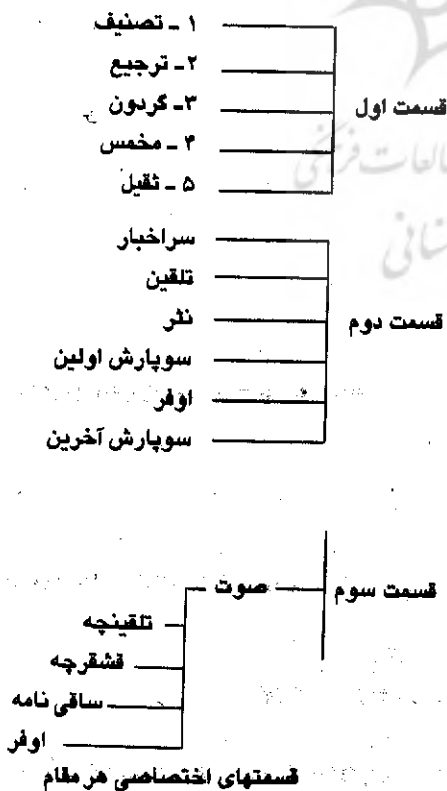
«بازگویی» ثقیل (بازگویی - همان جملاتی که به صورت ترجیع بند در طی مقاله ذکر گردید.) را «اوفر ثقیل» می نامند که در فرود هر «سرخانه» نواخته می شود. هر سرخانه به دو بخش تقسیم می گردند: ۱- بخش اساسی آن با ۳۲ سیاه (♩) ۲- بخش اوفر ثقیل با ۱۶ سیاه (♩) برابر است که مجموعه ایندو را «اصول ثقیل» می نامند که طول جمله آن ۴۸ سیاه (♩) می باشد.

□ پانویس:

۱. تاجیکان در مسیر تاریخ، گردآوری و تحقیق: میرزا شکورزاده - انتشارات بین المللی الهدی ۱۳۷۳ (مجموعه مقالات)

«شش مقام بخارا» که بطور اجمال بیان گردید، به عنوان موسیقی حرفه ای - آکنسای تاجیکستان و ازبکستان که هم از جهت کمی و کیفی و اهمیت بدیع و در نوع خود بی نظیر بوده

هر مقام از سه قسمت بزرگ ترکیب یافته است:



قسمتهای اختصاصی هر مقام